

آینه

تاریخ

سیاستمداری که در قدرت نیست قهرمانی است در زندان

محمد صنعتی؛ دولت روحانی را ناموفق نمی‌دانم/ همه چیز می‌تواند برگشت‌پذیر باشد/ خطر بازگشت به قبل از خرداد ۹۲ زیاد است/ اسطوره‌سازی ویژگی جوامع پیشامدرن است/ در غرب سن سیاستمداران در حال کاهش است/ اسطوره‌زدایی از سیاست را فقط می‌توان آرزو کرد/ حتی جوامع مدرن هم از قهرمان پرستی در امان نیستند/ هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند برای طولانی‌مدت تنش را تحمل کند/ جامعه ما در لحظه زندگی می‌کند و فاقد نگاه آینده‌نگرانه است/ گاه جامعه دوست دارد حرفی را بشنود و سیاستمدار آن حرف را به او می‌گوید/ جامعه ما جامعه‌ای است که خیلی بر اندیشه خود متکی نیست بلکه بیشتر بر القانات و تقلید متکی است/ ما یک جامعه سیاست‌زده هستیم.

کیم‌سان

چالش اوپاما و کنگره تعقیب یک هدف از دو مسیر

واقعیت این است که کنگره و کاخ سفید یک هدف را با دو طرح دنبال می‌کنند و در حقیقت اختلاف این دو نهاد کاملا تاکتیکی است. به بیان دیگر اگر کنگره و کاخ سفید در هر موضوعی اختلاف داشته باشند، در تأمین امنیت رژیم اشغالگر قدس و دشمنی با نظام جمهوری اسلامی ایران و جلوگیری از پیشرفت آن هیچ اختلافی ندارند. بنابراین می‌بایست با تأمل در رفتارهای پیشین مقامات آمریکایی، دل به اختلافات تاکتیکی این دو نسبت که سرانجام آن همان خواهد شد که در سطور بالا به آن اشاره شد. علاوه بر این دولت و مجلس شورای اسلامی ایران نیز برای مقابله با طرف آمریکایی می‌بایست هدف مشترکی را دنبال و از اختلافات به‌عنوان یک ابزار تاکتیکی استفاده کنند.

تاریخ

آدم‌ها را در بستر زمان خود ببینیم

ریحانه طباطبایی؛ فراموش نکنیم ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران است با توانایی‌های محدود، او آرش کمانگیر نیست تا کمان را بکشد و متحر افسانه‌ای‌اش را رها کند؛ او مصدق نیست که مجلس را منحل کند و امیرکبیر نیست تا مدرسه بسازد. او ممکن است یک روز بگوید روزنامه‌نگار زندانی نداریم و آن وقت، جماعت پرستشگر، او را با هیتلر و گوبلز مقایسه کنند و روزی ممکن است مسئله هسته‌ای را حل‌وفصل کند و بشود امیرکبیر و یک روز کل دریای خزر را از‌دست بدهد و تبدیل به میرزاآقاجان نوری شود. به‌نظر من اشکال کار ما آنجاست که به دنبال افسانه می‌گردیم و بدتر آن که تاریخ را درست نمی‌خوانیم. آن بخش از امیرکبیر را که دوست داریم می‌گیریم و به همه تعمیمش می‌دهیم؛ به اوپی که برای آزادی قلم مبارزه می‌کند و به اوپی که در حال چانه‌زنی‌های دیپلماتیک است. اشکال کار ما آنجاست که می‌خواهیم تمام کمبودها و نواقص خودمان را در دنیای افسانه‌ها و قهرمان‌ها دنبال کنیم و برای همین در گذشته مانده‌ایم.

دست‌اندر

بوی خون می‌دهی موسیو فابیوس!

شروین طاهری؛ افکار عمومی جهان سفر فابیوس به تهران را بازیدی قصیر نیمه‌رسمی رژیم صهیونیستی از جمهوری اسلامی ایران قلمداد خواهند کرد، این پرسش پیش می‌آید که چرا ما برای مجرم (با دست‌کم منتهم) پرونده خون‌های آلوده صادراتی انستیتو مریو فرش قرمز بهن کرده‌ایم؟ فراموش نکنیم دادگاه این پرونده اگر چه درباره شکایت قربانیان آزارهای فرانسه، آلمان غربی، ایتالیا، آترژانتین، عربستان و عراق حکم صادر کرده است اما درباره قربانیان ایرانی هنوز به نتیجه نرسیده و مفتوح است.

۱۳ اسمر رم‌پس‌هسته‌ای

عبدالله گنجی؛ «توسعه» اسم رمز عبور از سیاست‌های کلی نظام در خصوص نحوه مواجهه با آمریکاست. چنان بر طبل توسعه می‌کوبند که گوپی پرونده هسته‌ای کلید ورود یک کشور عقب‌مانده به حرم خصوصی کلاه‌خداست. اسم رمز دوم طرح «اصلاحات داخلی است» به‌صورت پررنگ در رسانه‌ها و تریبون‌های تجدیدنظرطلب مشاهده می‌شود که «پس از هسته‌ای نوبت سیاست داخلی است». آنچه پشت این حرف خوابیده و در بیان کرباسچی با عنوان «نهضت ملی گفت‌وگو» تجلی‌یافت با سه هدف مشخص می‌شود؛ اول ماست‌مالی‌کردن اهداف فتنه‌گران بدون عذرخواهی و توضیح پیرامون چرایی آن حرکت خفت‌بار، دوم قراردادن رئیس‌جمهور مقابل شورای نگهبان با هدف ورود سست‌عنصران سیاسی به عرصه قدرت با شعار «ایران برای همه ایرانیان». این موضوع را طوری طرح می‌کنند که گوپی معضلی جدید به وجود آمده است... هم سوم واما درکردن قدرت منطقه‌ای ایران است. تجدیدنظرطلبان نیز همانند قدرت‌های غربی چاره‌ای جز پذیرش قدرت منطقه‌ای نظام ندارند و اگر چه آن را با «شتن‌زدایی» مدنظر و «تعامل سازنده با غرب» متضاد می‌بینند اما از این واقعیت نمی‌توانند فرار کنند.

کا بحث را از شخصیت رضاخان شروع می‌کنیم، در سطح مردم عادی جامعه معمولاً با تعبیر دووجهی درباره شخصیت او مواجه می‌شویم؛ برخی از قدری زورگویی او شکایت دارند و برخی هم نکات مثبتی را ذکر می‌کنند، شما شخصیت او را در بستر تاریخ ایران چگونه معرفی می‌کنید؟

زیباکلام؛ چنین تعبیری در فرهنگ عامه سیاسی ما در مورد رضاشاه هست و جالب است که در مورد پسرش محمدرضا نیست. با اینکه او ۳۷ سال حکومت کرد، تقریباً دو برابر پدرش، به ما هم از نظر تاریخی نزدیک‌تر است. ولی در فرهنگ سیاسی عامه هیچ ردی از او نیست ولی از رضاشاه هست و معمولاً هم مثبت است؛ مثلاً می‌شنوید نگاهی در مورد او هست که حکایت از اقتدار و صلایت شخصیت او دارد و غیرمستقیم هم حمایت از این دارد که نقش او در تاریخ خیلی هم منفی نبوده است.

کا فکر می‌کنم این نوع نگاه حاکی از نوعی تحقیر خود هم هست. یعنی ستایش‌کنندگان او ناخودآگاه اعتراف می‌کنند که به چنین شخصیت زورگویی نیاز دارند.

زیباکلام؛ قبول دارم. یعنی می‌گویند که ما یک دست قوی، یک شلاق، یک سرنیزه یا چوب باید بالای سرمان باشد. ما استحقاق این را که درست عمل کنیم نداریم. این شبیه آن استعاره است که می‌گوید اگر می‌خواهی مثلاً عرب‌ها را مطیع نگه داری، آنها را سیر نگه‌دار و ایرانی‌ها را گرسنه. این هست و خیلی هم چیز جالبی نیست.

کا شما نقش رضاخان را در تاریخ ایران چگونه معرفی می‌کنید؟

زیباکلام؛ من چند وجه برای او قائل هستم. درمجموع معتقدم که بسیار به ایران معاصر خدمت کرده است و معتقدم که اگر شرایطی را که او به قدرت می‌رسد در نظر نگیرید، متوجه دستاوردهای نزدیک به ۲۰ سال فرمانروایی او نخواهید شد. باید آن شرایط را در نظر گرفت که او در چه شرایطی به قدرت رسید؟ در غیر این صورت بخش عمده‌ای از ارزش آنچه رضاشاه می‌کند و دستاوردهای اوست، برایتان معنا و مفهوم نخواهد داشت. ما در این اتاق نشستیم و همه‌چیز خیلی می‌زان است. ولی اگر شما بدانید که در شرایطی که به اینجا آمده‌ایم، سقف اتاق نصف ریخته بود و لوله‌ها این‌جور نبودند، آن‌وقت متوجه می‌شدید که اینجا چه‌کار انجام داده‌اید.

کا بهتر است راجع به این موضوع به تفاهم برسیم. زمانی که رضاخان به قدرت رسیدید ایران به‌لحاظ شرایط سیاسی و اجتماعی در وضعیت بدی قرار داشت. می‌توان گفت در آستانه تجزیه بود. **آقای سلیمی‌نمین** اگر این را قبول دارید، بحث را مقداری جلوتر ببریم.

سلیمی‌نمین؛ من دو ایراد دارم. نخست به عوام‌گرایی؛ ما قطعاً باید از آنچه مثلاً در اتوبوس مطرح می‌شود متفاوت عمل کنیم. به‌ویژه اینکه آقای زیباکلام گفتند که مثبت است. ایراد من این است که وقتی می‌خواهیم پدیده‌ای را بررسی کنیم، هم باید از بُعد درونی و هم از بعد بیرونی این کار را انجام دهیم. ابتدا این اهمیت دارد که ببینیم رضاخان چگونه روی کار آمد؟ آیا خواست ملت و خواست داخلی بود؟ یا اراده خارجی در این موضوع سهم بود؟

کا بهتر است اول این‌گونه می‌پنداریم؟ اول راجع به شرایط داخلی ایران قبل از ظهور رضاخان به‌جمع‌بندی برسیم. قبول دارید که کشور آشفته و در آستانه تجزیه بود؟

سلیمی‌نمین؛ این نیاز به بحثی ساختاری دارد. از زمانی که استعمارگران به ایران آمدند، چه نقشی ایفا کردند؟ چگونگی نفوذ در ساختار حکومتی و چگونگی تبدیل شرایط کشور برای روی‌کارآمدن یک دیکتاتور. آیا در بحث بحران و امکان تجزیه آیا دست بیرونی را نمی‌بینیم؟

کا شما قائل به این هستید؟

سلیمی‌نمین؛ قطعاً. براساس اسناد و مدارک، غالب قربانیان که تضعیف حکومت مرکزی را دنبال می‌کردند، از جانب انگلیس تغذیه می‌شدند. خزعل و سیمتقو و بقیه. بعضی از آنها مستقیماً با انگلیسی‌ها قرار داشتند که به حکومت مرکزی توجه نکنند. برخی هم غیرمستقیم عامل انگلیسی بودند. به‌لحاظ خانوادگی در خدمت بودند و باعث ناامنی و تضعیف حکومت مرکزی بودند. بنابراین باید این بحث را دنبال کنیم که وقتی انگلیسی‌ها پایشان به ایران باز می‌شود قطعاً با سرکوب وارد ایران می‌شوند و برای اینکه سلطه خود را استمرار بخشند، باید طبیعتاً قاپاره را که حکومتی است که در افت قدرت ایران معنا پیدا کرده و یک جایگاه ستی در مردم دارد و اصالتی از این‌ج جهت دارد، برای اینکه بتوانند به این حکومت پایان دهند. که کار آسانی هم برای انگلیسی‌ها نبود، یک‌سری فعالیت‌ها را شروع کردند. در رأس این فعالیت‌ها، ایجاد بلواها در نقاط مرزی و بخش‌هایی از خاک ایران بود، که این خط را بی گرفتند. این موضوع منجر به این شد که زمینه کودتا فراهم شود. یعنی دولت مرکزی آن چنان تضعیف شود که یک دولت کودتا بتواند روی کار بیاید.

کا پس شما تأمل‌ها را هم از ابتدا با توجه به نقش انگلیسی‌ها مورد توجه قرار می‌دهید.

سلیمی‌نمین؛ قطعاً همین‌طور است. البته قطعاً برخی از عناصر باغی هم از این فضا استفاده می‌کردند. چرا دوران انتهای قاجار را به‌عنوان تلاش برای امتیازگیری نام می‌برند؟ به خاطر اینکه دولت، دولت دست‌نشانده‌ای است. برای اینکه دولت مرکزی را وادار به امتیازدادن کنند، از این ابزار استفاده چشمگیری کردند. دولت مرکزی زمانی تن به قراردادهای خلاف مصالح ملی می‌داد که روزبه‌روز ضعیف می‌شد. این سیاست با پیروزی کودتا [۱۲۹۹ خورشیدی] کاملاً تغییر کرد. به همان میزان که فعالیت‌ها قبل از آن برای تضعیف دولت صورت می‌گرفت، بعد از کودتا تلاش آنها بر این بود که

سیاست



علی‌ن

کارنامه رضاشاه در میزگرد زیباکلام و سلیمی‌نمین

فرزند ناخلف مشروطه

نزعت امیرآبادیان

چهارم مردادماه، سالروز مرگ «رضا پهلوی» است؛ کسی که دامنه نام‌هایش از رضاخان میرپنج تا رضا قلدر و توصیف شفافش از پدر مدرنیزاسیون تا دیکتاتور چکمه‌پوش و وابسته موسع است. دراین بین یکی از موارد همیشگی نزاع بین اهالی تاریخ و سیاست، چگونگی برآمدن و برمسندنشستن اوست. صادق زیباکلام و عباس سلیمی‌نمین، دو کارشناس حوزه تاریخ سیاسی، با دو دیدگاه متضاد، در میزگرد «شرق» به بیان دلایل خود برای روایت‌هایشان از روی‌کارآمدن سرسلسله پهلوی پرداختند.

با سِياس از کِيهان کِيانی و علی ايوبي

دولت مرکزی را تقویت کنند. همه دست‌نشانگان خود را

رسماً به پذیرش حاکمیت رضاخان دعوت می‌کنند. **کا** شما می‌فرمایید ما نباید نگاه عوام را داشته باشیم. به‌نظر شما چگونه باید به این موضع بپردازیم؟

سلیمی‌نمین؛ قطعاً برای بررسی مسائل سیاسی و اجتماعی، نیاز است که به آنچه در جامعه می‌گذرد توجه شود. اما این منافاتی با نگاه علمی به تاریخ ندارد. چرا راجع به پهلوی اول این‌قدر سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد و به مردم این‌گونه القا می‌شود؟ درصورتی‌که هیچ سندیت تاریخی هم ندارد. اینکه مثلاً رضاخان به میان مردم رفته و نان خمیر را درون تئور انداخته است! اما این را روزبه‌روز پخش می‌کنند که بگویند رضاخان خیلی دوستدار حل مشکلات مردم بوده است.

کا اما چرا این نگاه در میان برخی پذیرش دارد؟

سلیمی‌نمین؛ به‌عنوان یک بحث مهم بعد از یک بحث علمی به این رسیدیم که آیا رضاخان یک پدیده بیرون‌آمده از درون مردم است یا نه؟ یا یک پدیده مثبت است یا نه؟ یا یک پدیده‌ای است که بیگانه به مردم تحمیل کرده است؟ دیپلماسی عمومی این‌گونه ایجاب می‌کند. اگر من یک کشوری باشم که بخوام گذشته خودم را در نظر ملت دیگری تطهیر کنم؛ باید تلاش کنم. **کا** یعنی شما این را این‌گونه می‌پندارید؟

سلیمی‌نمین؛ قطعاً این را می‌توانید در رسانه‌هایی که به بیگانه متمایل‌اند ببینید. «وَتو»، «بی‌بی‌سی»، «صدای آمریکا» و... همه برنامه‌هایی که تولید می‌کنند، کاملاً در دفاع تمام‌عیار از اوست که طبیعتاً در جامعه تأثیر می‌گذارد. اصلاً دیپلماسی عمومی به چه معناست؟ برای چه سرمایه‌گذاری می‌کنند؟ برای چه شبکه‌هایی مختلف راه می‌اندازند؟ یکی از کارکردهای دیپلماسی عمومی ارائه چهره موجه در تاریخ و سابقه خوب گذشته است. اگر انگلیسی‌ها یک آدمی مثل رضاخان را روی کار آورده باشند و او هم برخلاف آنچه آقای زیباکلام می‌گویند، بسیار برای ایران زیان‌بار بوده باشد، آیا می‌توانند به این چهره را عوض کنند یا نه؟ باید به این برسیم که آنچه در جامعه منتشر می‌شود، متأثر از چه چیزی است؟ دیگر اینکه باید کار علمی انجام دهیم. نه اینکه مثلاً بگوییم جامعه از رضاخان مثبت می‌گوید. باید بررسییم آیا رضاخان باعث تحقیر ملت ایران نشند؟ همان‌طوره که شما می‌گویید یک چماق بر سر ملت ایران هرازان نداد؟

کا آقای زیباکلام، شما گفتید که چند وجه را در رضاخان می‌بینید...

زیباکلام؛ یک نکته خیلی اساسی‌تر هم عرض کردم، اینکه حتماً باید شرایط روی‌کارآمدن رضاخان با رضاشاه را در نظر بگیریم.

آقای سلیمی‌نمین گفتند دخالت انگلیسی‌ها عامل این بوده است. البته وجود آشفتنگی را پذیرفتند و در اینجا به تفاهم رسیده‌ایم.

زیباکلام؛ من هم روایت خودم را از جامعه‌ای که رضاخان در آن به قدرت رسید، دارم. اگر آن شرایط را شناسیم، آن‌گاه مجبوریم به فرضیه‌های توطئه و «دایی‌جان ناپلئونی» بپردازیم. بعد از اسلام، قاجارها، بعد از صفویه طولانی‌ترین سلسله‌های بودند که در ایران حکومت کردند. صفویه ۲۰۰سال حکومت کردند و قاجارها نزدیک به ۱۴۰سال. اینکه قاجارها نتوانستند ۱۴۰سال حکومت کنند نشان می‌دهد که توانسته بودند درجه‌ای از ثبات و انسجام را در جامعه به وجود بیاورند. چرا این مهم است؟ برای اینکه جامعه و سرزمین ایران به‌اصطلاح همان دوره قاجار، کنترالمله است و به قول امروز موزاییکی است. یعنی کردها، ترک‌ها، ترک‌ها و عرب‌ها هستند، بعضاً اختلاف زبانی و مذهبی است، ایران سرزمین قومیت‌ها و مذهب‌های متعدد بوده است. ویژگی چنین سرزمین‌هایی این است که همواره مسائل قومیتی در آنها وجود دارد. از بعد تا اسلام تا قاجارها، درست‌است که صحبت از سلسله‌هایی مانند غزنویان، سلجوقیان، افشارها و... می‌کنیم اما همه اینها قوم و قبیله نبوده‌اند. بنابراین جامعه ایران همواره برای خیزش دیگر اقوام و قبایل آماده بوده است. اینکه قاجارها نتوانستند ۱۴۰سال حکومت کنند نشان می‌دهد که سلسله و اقوام نتوانسته بودند آنها را منقرض کنند، اما وقتی که هیمنه آنها در نتیجه نهضت مشروطه فرو

می‌افتد، چه مشروطه‌خواهان و چه مرحوم مصدق، مدرس، کارزونی، ملک‌الشعراى بهار و چه طرفداران استبداد و چه لیبرال‌ها و سوسیالیست‌ها، همه آنها به این نقطه رسیده بودند که در کشور باید فعلاً یک نیرو و حکومت مرکزی به‌وجود بیاید که بتوان ثبات و امنیت را در کشور برقرار کند و بعد بروسیم به‌دنبال مجلس و قانون اساسی و اقتصاد؛ فعلاً مملکت روی هواس‌ت و در حال ازبین‌رفتن است. وقتی این فرد در کودتای سیدضیا و رضاخان پیدا شد، همه استقبال کردند و هیچ‌کسی را پیدا نمی‌کنید که بگوید مثلاً مجلس باید رای بدهد، در سال‌های اولیه رضاخان همه به چشم قهرمان به او نگاه می‌کردند و بیشترین کمک‌ها را مدرس و مجلس چهارم به او کرد، چون می‌دیدند ثبات و امنیت که ازبین‌رفته در حال بازگشت است و در چهار سال اول تا تبدیل او به رضاشاه، چکمه از پای درنیارد تا سیستان‌ویلوچستان، خراسان، گیلان و مازندران را آرام کرد و آذربایجان، کردستان و خوزستان را دوباره به ایران برگرداند، بنابراین این آدم تبدیل به قهرمان ملی شده بود و همه از او حمایت می‌کردند.

کا همه این اتفاقات در زمانی رخ داد که رضاخان وزیر جنگ و نخست‌وزیر بود و بعد شاه شد و تا آنجا مدرس و بقیه از او حمایت می‌کردند.

سلیمی‌نمین؛ این را بر چه اساسی می‌گویید؟

کا براساس کتاب‌ها و روایت‌هایی که خوانده‌ام.

سلیمی‌نمین؛ استیضاح سردار سپه بعد از قضیه جمهوری توسط اقلیت مجلس وجود ندارد؟ ایشان خلاف تاریخ می‌گویند و شما هم آن‌را تأیید می‌کنید.

کا تا یک جایی از او حمایت می‌کنند...

سلیمی‌نمین؛ نخیر، مثلاً از بحث نظام وظیفه مدرس دفاع می‌کند ولی در بسیاری قضایای دیگر نه...

زیباکلام؛ رضاخان از آن مجلس‌رای آورده و منظورم از حمایت این است که می‌خواستند که او باشد.

سلیمی‌نمین؛ ببینید وقتی آقای زیباکلام می‌گوید از همه کارهای او حمایت کردند، این خلاف نص تاریخ است. پس بهتر است در اینجا خلاف نص تاریخ صحبت نکنیم. مدرس را کتک می‌زنند و رضاخان در مجلس وقتی سردار سپه است می‌گوید من تو را می‌کشم. حالا آقای زیباکلام می‌گوید از ایشان حمایت کامل می‌کرده است!!

کا آقای زیباکلام شما آن دو بخش را بگویید تا وارد بحث رضاخان شویم.

زیباکلام؛ من ترجیح می‌دادم که وارد این باتلاق نمی‌شدیم، خدَم نمی‌افتم چون به آقای سلیمی‌نمین ارادت دارم ولی شما خواهید داد. بنابراین قبل از اینکه بیفتید من به شما حمله‌ام. وقتی حاکمیت در تهران دوباره تثبیت شد، این خرده‌قدرت‌ها سرکوب شدند و ثبات به وجود آمد. به انقلاب اسلامی می‌رسیم. حکومت مرکزی ضعیف شد. هم آذربایجان دچار مشکل شد، هم کردستان و هم خوزستان. خلق عرب در اهواز و خرمشهر به راه افتاد. در سیستان‌ویلوچستان ریگی‌ها به راه افتادند. ترک‌من‌ها به راه افتادند. نه اینکه قدرت مرکزی تثبیت شد و آنها را سر جایشان نشاند. الان که مرداد ۹۴ است، بنده معتقدم و زبانم لاا! و خدای‌ناکرده اگر به هر دلیلی دولت مرکزی در تهران یک خرده ضعیف شود، همان داستان دوباره به راه می‌افتد...حالا، من در گذشته می‌رفتم بقیه انگلیس، آمریکا یا اسرائیل را می‌گرفتم. نه این‌طور نیست، این ذات کنترالمله‌بودن جامعه ایران است. اگر به داستان خودمان برگردیم، در نتیجه این ۱۴۰ سال قاجارها نتوانسته بودند به هر قیمتی یک درجه‌ای از ثبات و اقتدار را به‌وجود بیاورند اما کاری که مشروطه کرد این بود که به حاکمیت قاجار ضربه بزرگی وارد کرد منتها

ایسن ضربه نه آن‌قدر بزرگ بود که مثل انقلاب اسلامی انگلیس‌ها باید این چهره را عوض کنند یا نه؟ باید به اینها را دست‌نخورده بگذار. در نتیجه مقداری خلا قدرت به‌وجود آمد، بخشی از قدرت را مشروطه‌خواهان و مجلس و سیدمحمد طباطبایی، آیت‌الله بهبهانی و تقی‌زاده داشتند و بخش دیگری از قدرت هم از آن محمدعلی میرزا و رجال قاجار و مرحوم شیخ فضل‌الله نوری بود. در این دواپزچگی، تضعیف قدرت به‌وجود آمد و دوباره شرایطی را پیدا کردیم که نیروهای گریز از مرکز مجال پیدا کرده و خرج خودشان را جدا کردند. اگر مخنی ثبات و امنیت کشور را از انقلاب مشروطه تا کودتای رضاخان ترسیم کنیم، می‌بینیم که این مخنیی به‌شدت رو به نزول است، یعنی ثبات و امنیت در کشور در حال ازدست‌رفتن است و در سکانس آخر آن یعنی سال ۱۲۹۹ بنده اگر دست شما را بگیرم و از خلیج فارس و چابهار وارد ایران کنم و یک دور ۳۶۰ درجه در ایران بزنیم، می‌بینید که شوخی‌شوخی هیچ‌جای ایران نیست که زیر نفوذ دولت مرکزی باشد، سیستان‌ویلوچستان در دست بلوچ‌ها یا ریگی‌ها بود، خراسان در دست کلنل محمدتقی‌خان پسپایان بود و مدت‌ها بود که قدرت کلنل حالت جداسدن از تهران را پیدا کرده بود، ضمن اینکه بسیاری از شهرهای امروز خراسان زیر نفوذ ترکمن‌ها بود. در گیلان و مازندران نهضت جنگلی‌ها بود و جمهوری سوسیالیستی در رشت اعلام موجودیت کرده بود و قزوین و تهران را جدا تهدید می‌کرد. آذربایجان هم عملاً از ایران جدا شده بود و شیخ‌محمد خیابانی و فرقه دمورکات دیگر کاری به تهران نداشتند. کردستان هم جنوب کشور هم قبایل بودند، قشقایی‌ها، بختیاری‌ها و... بودند که وقتی حکومت مرکزی باشد، آنها حالت گریز از مرکز را دارند چه برسد که در تهران هم حکومتی نباشد! در کل جایی وجود نداشت که بگوییم در آن حکومت مرکزی اقوام داشته باشند و حکومت مرکزی در تهران عملاً روی کاغذ بود؛ بنابراین زمانی که کودتا اتفاق

سلیمی‌نمین؛ اجازه بدهید، شما دارید از جانب من صحبت می‌کنید، یعنی می‌گویید سلیمی‌نمین این‌گونه است. ایشان دارند این هنر را می‌ورزند که قبل از اینکه من حرفی بزنم می‌گوید که سلیمی‌نمین این‌گونه فکر می‌کند که نظر من به این شارلاتانیسم سیاسی است. ایشان باید بگویند که کودتا رخ داده؟ و انگلیس دخالت داشته یا نه، روایت خودش را بگویند.

کا شما هر دو اسناد تاریخ هستید. قصد ما این است که هرودی شما عزیزان حرف خود را بزنید و در نهایت خواننده قضاوت می‌کند.

زیباکلام؛ حاصل بحث این‌گونه می‌شود که چون رضاخان عامل بیگانه است، بنابراین اقداماتش باید در جهت منافع انگلیس باشد. اگر من بیرسم دانشگاه تهران را رضاخان ایجاد کرده است پس چگونه است؟ بعد شما می‌گویید دانشگاه تهران به‌وجود آمد که فرهنگ اسلامی، بومی و اصل ایرانی ما را از بین ببرد و راه‌آهن هم در خدمت منافع انگلیس بود، صنایع مدرن هم برای سرکوب صنایع داخلی بوده و رشد سرمایه‌داری؛ ببینید چون که صد آید نود هم پیش ماست، وقتی من معتقد باشم رضاشاه را انگلیسی‌ها آورده‌اند، بنابراین هر کاری هم کرده باشد باید در جهت منافع آنها باشد، مگر اینکه بگوییم انگلستان کمیته امداد است و برای خیر و آخرت این کار را کرده که این‌گونه نیست. روایتی که من گفتم تا یک جایهای جریان‌ات خیلی هم دارند با رضاخان همکاری می‌کنند یا حداقل در مقابل او نمی‌ایستند، چون می‌بینند عصر به‌وجود آوردن ایران مدرن است که آثارش را همچنان در کشور داریم. یعنی اگر سال ۱۳۰۴ می‌آمدید و یک نگاه کلان به ایران می‌کردید و می‌رفتید و سال ۱۳۲۰ به ایران برمی‌گشتید، باورتان نمی‌شد که این، همان ایران است، مثل راه‌آهن، دانشگاه، بوروکراسی مدرن، ارتش به‌وجود آورد. این یک وجه مهم رضاشاه است.

ادامه در صفحهٔ ۷

آینه دیروز

تاریخ

- سیدحسن نصرالله: مانعی برای مذاکرات غیرمستقیم دولت لبنان درخصوص اسرا وجود ندارد؛ نفوذ زمینی اسرائیل به اراضی لبنان نتایج سیاسی نخواهد داشت
- سختگویی دولت: بنای دولت اعزام نیرو به لبنان نیست؛ دولت لایحه‌ای برای واردات بنزین آماده نکرده است
- مدیرکل تبلیغات وزارت ارشاد با رد فعالیت شبکه‌های ماهواره‌ای گفت: مجوزها کجاست؟ رو کنید! کریمی: به‌زودی دفتر داخلی این شبکه‌ها را تعطیل می‌کنیم، اگر البته بتوانیم مکان‌یابی کنیم
- هزینه سفر: کیلومتری ۵۰۰ میلیون تومان؛ انوشه انصاری امسال به قضا می‌رود
- فرمانده کل سپاه: سیدحسن نصرالله قهرمان جهان عرب است
- لاریجانی: آمریکا به دنبال جنگ شیعه و سنی است
- عضو فراکسیون اکثریت مجلس: اصلاح‌طلبان در انتخابات خبرگان مجتهد کافی ندارند

کیم‌سان

- دستور وزیر نفت برای توقف قرارداد بدون مناقصه ۸۰۰میلیارد تومانی
- فرمانده کل سپاه پاسداران: سیدحسن نصرالله قهرمان جهان عرب است
- هلاکت ۳۰ نظامی و انهدام ۶ هلیکوپتر و تانک رژیم صهیونیستی در مارون‌الرأس: اسرائیل: از خونسردی حزب‌الله خسته شده‌ایم
- معاون اول رئیس‌جمهور: سهام عدالت و تأسیس بنگاه‌های کوچک می‌تواند بنیه طبقات فقیر را تقویت کند
- در روزهای آینده: حزب‌الله: جنگ را به داخل اسرائیل می‌کشاییم
- رئیس اطلاعات ارتش اسرائیل: علاقه‌ای به روبرویی با ایران و سوریه نداریم
- بسیجی آمریه‌معروف با ضربات چاقو مصدوم شد



- وزیر کشور خبر داد: تغییر و جایه‌جایی ۳ هزار مدیر در وزارت کشور
- بازگشت خاموش آئتولانزای مرغی به آسیا-مقام‌های ایرانی همچنان در برابر گزارش‌های مختلف درباره وجود این بیماری سکوت کرده‌اند
- آیت‌الله العظمی صاعی: بر همه وجدان‌های بیدار لازم است که جنایات ددمنشانه را محکوم کنند
- انتخابات انجمن صنفی روزنامه‌نگاران به دور سوم مگول شد
- افراد ناشناس دخترخانه ۵۵۴ را آتش زدند
- در واکنش به انتشار اخبار درباره لغو برنامه‌های هنری و کنسرت‌ها؛ دفتر امور موسیقی لغو کنسرت‌ها را تکذیب کرد

جمهوری اسلامی

- جهت اطلاع- جمعیت ایران فردا در نامه‌ای سرگشاده به رئیس‌جمهور، از نامه‌های وی به سران کشورهای دنیا انتقاد کرد. پایگاه خبری البرز می‌گوید: در بخشی از این نامه آمده است: اخیراً نامه‌نگاری جزئی از ابزارهای دیپلماسی حضرت‌عالی در عرصه بین‌المللی شده است. این اقدام ابتکاری شما هرچند می‌توانست نقطه عطفی در روابط بین‌الملل محسوب شود اما متأسفانه بی‌پاسخ‌ماندن نامه‌ها از سوی رئیس‌جمهور آمریکا و صدراعظم آلمان ناکارآمدی این نوع دیپلماسی را بیش‌ازپیش نمایان کرده است
- جهت اطلاع- آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی با ارسال نامه‌ای به ملک عبدالله، پادشاه عربستان از وی خواست برای توقف جنگ لبنان دخالت کند- یک نماینده مجلس گفت: اگر صد جلسه برای گرانی‌ها برگزار کنیم نتیجه‌آن یک پاسخ است؛ رفع موانع تولید و روان‌سازی بستر سرمایه‌گذاری در کشور- روزنامه صهیونیستی معاربه که از حمایت بعضی کشورهای عربی از تهاجم رژیم صهیونیستی به لبنان خبر داده بود از مصر، اردن، عربستان، قطر و بحرین به‌عنوان کشورهای عربی و پاکستان و روسیه از دیگر کشورهای منطقه به‌عنوان ارسال‌کنندگان نامه محرمانه حمایت از اسرائیل دربرابر تجاوزش به لبنان نام برده است
- دستگیری ۵ نفر از اعضای شبکه‌های گلدکوئیست و گلدمایان اصفهان
- سختگویی دولت در جمع خبرنگاران: غرب برای ازسرگیری مذاکرات هسته‌ای با ایران پیش‌شرط را بردارد
- [مصطفی پورمحمدی] وزیر کشور در اولین همایش سراسری فرمانداران در دولت نهم؛ اصولگرایی تنها مسیر نجات حیات سیاسی و اجتماعی کشور است
- عجز رژیم صهیونیستی و عقب‌نشینی آمریکا در مقابل حزب‌الله؛ رایس خواهان آتش‌بس شد
- احمدی‌نژاد: امیدوارم اجلاس سه‌جانبه به صلح منطقه کمک کند
- هاشمی‌رفسنجانی در دیدار سفیر تونس: اتحاد کشورهای اسلامی، مهم‌ترین راه مقابله با اقدامات اسرائیل است